

و اینها را بهما و آمدن در کارها و آنها و آوردن برده و حیوان  
آن بر سرچ و دلیل است بر موافقت میان ملوک و لشکر با هم  
و بوجوه فطرت بافتن این طایفه و مصالحت لشکر با هم  
عصر و سلامتی و فراخی نعمتها و شنیدن دست و انصاف عامه مردم  
**تتمت** و رسیدن زهره و میرنج و دلیل است بر موافقت و  
مصالحت زمان با مردم و ساز و آوازی بین آنها و قوت لشکر با هم  
و میزان رسیدن غنای و غنای و لوازم و متعلق لشکر  
این طایفه جلوه کرده زین حال این طایفه بسبب همگامی و موافقت لشکر با  
و عدل و داد ملوک و رعیت و کثرت و شدت کارها بر سر شده مردم  
و فراخی طعام و معیشت بر مردم **تتمت** و رسیدن عطار و میرنج  
و دلیل است بر موافقت میان لشکر با هم و دلیل بر موافقت  
شیرنج و طلسمات و کیمیا و جادو و روح و بسیار فتنه و مجور  
در مردم و تغییر هوا و اینها را بهما و آوردن کار و آنها و آوردن  
برده و حیوان و قوت سران سپاه و لشکر **تتمت** و رسیدن  
عطار و زهره و دلیل است بر مکر و حیل و جادو و کیمیا و طلسمات  
و طریقه کف و غش و عشو و دارم زمان عاصم قتل را و قوت حال ادب  
و اهل قلم و راست افتاد مصلحت اطبا **تتمت فصل**

در احکام تریجات کوکب **تتمت** و زهره و دلیل است بر  
مخالفت و عدالت میان ملوک و قضات و وزیران و نصیب  
میران علمای و مشایخ و دقایق و دل مشغولان خاص و عام و حرکت  
عساکر و تغییر حال طعام و نایافتن خواربار در دست مردم با هم  
و دل مشغول در عامه مردم بسبب فتنهها **تتمت** و دلیل است  
بر مخالفت و عدالت مردم با هم و جادو و کیمیا و زهره و نایافتن  
باز بهما و آمدن در کارها و آنها و آوردن برده و حیوان و نایافتن  
بافتن محبوب و جادو و کیمیا و نایافتن بر عامه مردم و نصیب بر کلام  
و عادت و تا راجع در اطرافه و سوختن عمارتها و درشتی ملوک  
با رعیت و ضلالت کردن سران لشکر ملوک **تتمت** و افتاد رحل  
و دلیل است بر عدالت میان ملوک و مشایخ و دقایق و جادو و کیمیا  
سلطان بر رعیت و بداداری و جناب پدید آمدن از فرزندان  
و کارهای با رعیت و نایافتن ملوک که با هم و تغییر هوا و نایافتن  
و نایافتن و نایافتن با کیمیا و کیمیا **تتمت** و دلیل است بر مخالفت  
و عدالت زمان با نایافتن و نایافتن زهره و دلیل است بر مخالفت  
و نایافتن و نایافتن و نایافتن جادو و کیمیا و نایافتن  
و نایافتن با کیمیا **تتمت** عطار و زهره و دلیل است بر عدالت  
میان اهل دیوان و مشایخ و پدید آمدن در طبابت با اهل دیوان